

۱۳۷۸، ۲۵۴

خوانشی در اسناد بهائیت

ترجمه کتاب «قراءة في وثائق البهائية»



www.ketab.ir



نویسنده: دکتر عائشه عبدالرحمان «بنت الشاطی»
مترجم: مریم صفی الدین

سرشناسه: بنت الشاطی، عائشه

Bint al - Shati

عنوان قراردادی: قراءه فی وثائق البهائیه. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: خوانشی در اسناد بهائیت/

نویسنده عائشه عبدالرحمان؛ بنت الشاطی؛ مترجم مریم صفی الدین.

مشخصات نشر: تهران: نشر گوی، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.

فروست: بهائی پژوهی.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۳۳-۱۰-۲

وضعیته فهرست نویسی: فیبا

موضوع: بابیگری -- دفاعیه ها

Babism -- Apologetic works

بهائیگری -- دفاعیه ها

Bahai Faith -- Apologetic works

شناسه افزوده: صفی الدین، مریم، ۱۳۷۰-، مترجم

رده بندی کنگره: B۲۳۳

رده بندی دیویی: ۲۹۱/۸۶۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۲۷۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: خوانشی در اسناد بهائیت

ناشر: انتشارات گوی

نویسنده: دکتر عائشه عبدالرحمان «بنت الشاطی»

مترجم: مریم صفی الدین

ویراستار: محمدعلی معصومی

صفحه آرای: شیرین گوگانی

سال چاپ: چاپ اول ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۳۳-۱۰-۲

چاپ و صحافی: نقش آور

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ تومان

تلفن مراکز پخش: ۲۲۸۹۸۴۲۵-۶۶۴۲۴۱۱۳

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب انحصاراً محفوظ و متعلق به پایگاه

خبری بهائی پژوهی است. www.gooy.ir

این کتاب با کاغذ حمایتی وزارت ارشاد منتشر شده است.



۹	مقدمه
۱۷	چکیده و خلاصه مطالب کتاب
۵۹	خوانشی در مستندات بهائی
	فصل اول
۷۹	باییت و بهائیت
	فصل دوم
۱۷۳	بهائیت در نظام فکری
	فصل سوم
۲۸۹	حدیث و سنت

www.ketab.ir

مقدمه

وقتی با کتاب تحقیقی «قراءة فی وثائق البهائیه» اثر خانم دکتر عائشه بنت الشاطی در فضای نت آشنا شدم، هرگز فکر نمی‌کردم این نویسنده نام آشنا و پرتألیف، مفسر قرآن، استاد ادبیات، گوینده‌ای توانا و صاحب کرسی تدریس در دانشگاه‌های مصر و بعضی از کشورهای عربی، این چنین کار تحقیقی و ارزشمند و فوق‌العاده‌ای را در این زمینه، پدید آورده باشد و به انبوهی از متون این نحله دسترسی یافته و با دیدی باز به بررسی و نقد آن‌ها پرداخته باشد. بلافاصله خلاصه‌ای از این کتاب مفصل تهیه شد و در یکی از شماره‌های فصلنامه بهائی‌شناسی (شماره ۲۱، بهار ۱۴۰۱) درج گردید تا فارسی‌زبانان با مطالب پژوهشی و مبتکرانه این بانوی فاضله که قبلاً بعضی از آثار او هم به فارسی ترجمه شده بود، آشنا شوند که بسیار مورد توجه قرار گرفت. دریغمان آمد همه این کتاب ترجمه نشود و در اختیار محققان قرار نگیرد. این شد که با همکاری مترجم عالی‌قدر خانم مریم صفی‌الدین این مهم انجام گرفت و اکنون در دستان شماست. شایسته است ابتدا معرفی مختصری از این بانوی نویسنده نامدار داشته باشیم. خانم دکتر بنت الشاطی از بانوان فرهیخته و مشهور جهان اسلام است که اگرچه زادگاهش مصر بود و در آن کشور بالنده شد، اما با آثار پژوهشی و نگارشی و فعالیت‌های آموزشی در دانشگاه‌های کشورهای آفریقایی و آسیایی، شهرتی جهانی پیدا کرد. او در ۳۷ سالگی دکترای خود را از دانشگاه قاهره دریافت نمود و با یکی از اساتید خود ازدواج کرد و تا ۸۵ سالگی که دعوت حق را لبیک گفت لحظه‌ای از تحقیق و تدریس و نگارش غافل نماند. وی علاوه بر تربیت بسیاری از جوانان کشورهای اسلامی، شصت کتاب و صدها مقاله از خود به یادگار گذاشت. بنت الشاطی با کتاب تفسیر خود به نام *التفسیر*

البیانی للقرآن الکریم به شهرت رسید و با آثاری دربارهٔ زنان اهل بیت علیهم السلام، نسل معاصر را با این بانوان آشنا ساخت. او نخستین بانوی فرهیخته‌ای است که در جهان اسلام، به موضوع بهائیت پرداخته و کتابی در حدود چهارصد صفحه در این زمینه با عنوان *قراءة فی وثائق البهائیه* در بررسی ریشه‌های پیدایش این گروه و چالش‌هایی که در مصر ایجاد کردند و نقد آموزه‌های آنان نوشته است. اما معرفی تفصیلی ایشان:

دکتر عائشه عبدالرحمان (۱۳۳۱-۱۴۱۹ / ۱۹۱۳-۱۹۹۸) که نام "بنت الشاطی" (دختر ساحل) را برای خود برگزید، بانوی مؤلف و محقق مصری در ادبیات عرب، علوم قرآنی، تاریخ اسلام و نقد دینی و اجتماعی بود. او در شهر دمياط (در ساحل شرقی نیل) به دنیا آمد و نزد پدرش - که از تربیت‌یافتگان الازهر بود - ادبیات عربی و قرآن را آموخت و تحصیلات خود را در مدارس مصر گذراند و در جوانی در مجله النهضة آغاز به نشر مقاله و شعر کرد و مدتی نیز منتقد ادبی روزنامه الاهرام شد. در سال ۱۹۵۰ دکترای خود را با پایان‌نامه‌ای درباره ابوالعلاء معری از دانشگاه فؤاد اول (دانشگاه قاهره کنونی) دریافت کرد. از بنت الشاطی، به جز مقالات پراکنده‌ای که در برخی از مجلات و روزنامه‌های مصر نوشته است، بیش از شصت عنوان کتاب و رساله کوچک و بزرگ درباره اعجاز قرآن، تفسیر، ادبیات عرب، مسائل اجتماعی روز و زندگی نامه پیامبر و زنان خاندان ایشان به جا مانده است که مهم‌ترین آن‌ها، علاوه بر *التفسیر البیانی للقرآن الکریم*، کتاب *الاعجاز البیانی للقرآن الکریم* است که موجب شهرتش شد. او در این کتاب پس از بررسی تاریخی بحث اعجاز بیانی و بلاغی قرآن، آن را تنها و مهم‌ترین نوع اعجاز مورد اتفاق در میان دانشمندان می‌داند و سپس می‌کوشد با ذکر نمونه‌هایی از بلاغت قرآن نشان دهد که هیچ مترادفی برای واژگان قرآن یافت نمی‌شود و جایگزینی کلمات با یکدیگر امکان ندارد؛ هیچ حرفی زائد یا صرفاً مؤکد نیست و یا برای پیوند کلمات یا تصحیح وزن کلمات نیامده است، بلکه همهٔ حروف نقشی معنایی دارند.

بخشی از شهرت بنت الشاطی در جهان اسلام، به ویژه در ایران، به سبب نوشته‌های او درباره زندگی پیامبر اسلام و زنان خاندان اوست. این نوشته‌ها، گرچه بر اسنادهای تاریخی مبتنی است، پردازش هنری و داستانی بسیاری هم دارد و همین موضوع، آن‌ها را از بسیاری از تألیفات سیره‌نویسی معاصر چون آثار طه حسین و محمد حسنین هیکل متمایز می‌کند. بنت الشاطی از معدود زنان مسلمان مصری عصر خویش است که در سطوح دانشگاهی شهرت و مقبولیت نسبی یافت. وی در محافل علمی و کنفرانس‌های جهانی بسیاری

شرکت جست، استاد مهمان چند دانشگاه در کشورهای عربی بود و آثارش بارها در مصر و دیگر کشورهای عربی تقدیر شد. بعضی از کتاب‌های او که به فارسی ترجمه شد و موجب شهرت او در ایران گشت، عبارتند از: اعجاز بیانی قرآن، پیامبر، آمنه مادر پیامبر، زینب قهرمان کربلا، سکینه دختر سیدالشهداء و ستاره درخشان سرزمین وحی.

بنت‌الشاطی بانوی اندیشمند، استاد، نویسنده و نمونه یک بانوی مسلمان بود که خود را وقف نشر فرهنگ اسلامی کرد. او استاد تفسیر و دراسات علیا در دانشگاه‌های عین شمس مصر و دانشگاه قرویین در مغرب و استاد مدعو در دانشگاه‌های بیروت و الجزائر و ریاض و امارات بود و سهم بزرگی در تربیت نسل جوان در نه کشور عربی داشت. تلاش او معرفی تراث قرآنی و تربیت بانوان فرهیخته با منطبق اسلامی و بدون تأثیرپذیری از حرکت‌های فریبنده فمینیستی بود. موضع او در روشننگری نسبت به صهیونیسم جهانی و ارتباط آن با بهائیت بسیار مشهور است که در کتابش به نام *قراءة فی وثائق البهائیه (خوانشی در اسناد بهائیت)* تشریح شده است. چاپ اول کتاب در ۱۴۰۶/۱۹۸۶ به وسیله انتشارات "الاهرام" انجام شده است.

نویسنده در مقدمه‌ای جالب به داستان شکل‌گیری ایده کتاب می‌پردازد و می‌نویسد:

این عنوان، موضوع بحث ما در سلسله برنامه‌های ماه رمضان با نام بحران‌های اندیشه دینی بود که نگرانی‌های ما دربارهٔ امثال این اندیشه‌ها را دربر می‌گیرد اگرچه به ظاهر مرتبط با آن نباشد. علت این است که ما دچار غفلت شده‌ایم و باید دوباره به آن نگاه کنیم. قضیه بهائیت شاهد مثال خوبی برای این نگرانی‌هاست که ممکن است تکرار شود و در سایر موضوعات هم تأثیر بگذارد. در مارس گذشته افکار عمومی درگیر دستگیری اعضای محفل بهائیت شد. سازمان امنیت مصر مطالبی را از ایشان کشف کرد و دادستان آن‌ها را متهم به پیوستن به گروهی کرد که در مصر از سال ۱۳۶۰ قمری ممنوع و غیرقانونی اعلام گردیده بود. دلیل آن خروج آن‌ها از ادیان آسمانی و پیوستن به آیینی است که پیامبرشان بهاء‌الله نام دارد و حجشان مزارهایی در اسرائیل است و فتاوی شیوخ الازهر نشان از تکفیر این طائفه و ارتداد آن‌ها از دین اسلام دارد. کاملاً آشکار شد که این موضوع فقط یک قضیه محلی در حوزه وظایف سازمان امنیت نیست که در مجرای تحقیق و قضاوت قرار گرفته است، به خصوص وقتی که درخواست مدیران مطبوعات از رئیس جمهور برای آزادی رهبر متهم این فرقه از زندان به علت کهنلت و نیز حسن رفتار در دوران حبس مطرح شد و این را یکی از

نویسندگان مشهور در روزنامه "اخبار قاهره" با استناد به موضوع حقوق بشر و آزادی عقیده درخواست کرد.

طرح این موضوع مرا برانگیخت که در اسناد حرکت بهائیت بازنگری کنم؛ البته در پی آن نیستم که به يك موضوع خاص که وظیفه دستگاه قضاوت است پردازم، بلکه از آن جهت که این یکی از آفات اندیشه معاصر است که ریشه‌اش غفلت ما و ناخالصی‌های فکری است. پرداختن به آن قضیه به عنوان يك موضوع محلی که فقط به سازمان امنیت دولتی مربوط باشد، شأن من نیست. این‌ها حوادث روزانه است که مطبوعات دوست دارند به آن پردازند و وقتی کهنه شد، حادثه دیگری را مطرح کنند. این غفلت‌ها که از آن نام بردم ناشی از خروج فکر از مرکز رهبری آن است و روزنامه‌ای کردن آن و رفتن با باد به این سو و آن سوست. اگر افکار، مشغول حوادث روزمره شود و از عوامل اثرگذار و اسباب آن در گذشته غافل شود و تأثیر آن بر حوادث آینده در نظر گرفته نشود، عواقب بدی خواهد داشت؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: ﴿فهل ينظرون الا سنت الاولين، فلن تجد لسنن الله تبيلاً ولن تجد لسنن الله تحويلاً﴾ (فاطر: ۴۳). یعنی آیا در سنت‌های پیشین نمی‌نگرند و نمی‌اندیشند؟! در سنت‌های الهی تبدیل و دگرگونی نخواهی دید، اگر آفت فراموشی بر ما غالب شود، زیان خواهیم کرد. نزدیک‌ترین نمونه‌ای که می‌توانم برای این موضوع یاد کنم، موضوع تسجیل (ثبت نام) يك بهائی در محفل شهر طنطا (شهری در استان غربیه مصر) در سال ۱۹۷۲ است که افکار عمومی را به خود مشغول کرد و ارباب مطبوعات را واداشت که از علمای اسلام در آنچه که در مواجهه با این خطر باید در نظر گرفته شود، استفتاء کنند. روزنامه اخبار قاهره، تحقیقاتش را در شش بخش مطرح کرد و نوشت:

در این ایام شایع شد که تعدادی از اشخاص بعد از آنکه وابستگی‌شان به تشکیلات بهائی - که از سال ۱۹۶۰ ممنوع شده است - ثابت گردید، دستگیر شدند. این سؤال مطرح است که چه شناختی از این جماعت دارید و نظر علمای الازهر و مؤسسات دینی در مواجهه با بهائیت چیست که خود را يك دین می‌شمرد و همه ادیان گذشته را پایان یافته می‌داند؟ شیوه بهتر برای مواجهه با این جماعت مشکوک و نحوه مبارزه با باطلشان و کشف نقش ایشان در تخریب عقاید دینی چیست؟ این سخنی بود که نماینده روزنامه به وزیر اوقاف و اعضای مجلس بحوث اسلامی گفت و آراء و فتاوی آن‌ها را نقل کرد.

پس از سه روز، روزنامه نامه‌ای را از نماینده‌اش در شهر طنطا منتشر کرد مبنی بر این که عدد بهائیان دستگیرشده به ۸۱ نفر بالغ شده و بازرس دستگاه امنیت، اوراق تسجیل و جزوات تبلیغی بهائیت و مبارزه دینی را در منزل آن‌ها پیدا کرده و معلوم شده فؤاد محمود اسماعیل رئیس محفل شهر شین کوم (شهری در استان منوفیه مصر) با تابعیت انگلیسی و شغل عکاسی حرفه‌ای، در ارتباط با بهائیان خارج کشور است.

همان روز، روزنامه جمهوری قاهره مقاله مبسوطی در موضوع بهائیت نوشت با عنوان "بهائیت، دین و قضیه" و ذکر کرد که امام اکبر شیخ خضر حسین رساله‌ای در موضوع بهائیت نوشته و ضمن رد کردن این فرقه حکم کرده که هرکس از مسلمانان به آن بگردد، مرتد است. لجنه فتوا در الازهر نیز حکمی صادر نمود که مذهب بهائیت باطل است و ربطی به اسلام ندارد و حتی ربطی به یهود و نصرانیت هم ندارد و هر مسلمانی به آن بگردد، مرتد است و طبق شریعت، مرتد از مسلمان و غیرمسلمان و غیر خود، هر که باشد، ارث نمی‌برد.

تحقیقات دادستان شهر طنطا که از سازمان امنیت استان غریبه واصل شده بود نشان داد که آن‌ها در مقر محفل ممنوعه قلمب اجتماع کرده و تشکیلات گسترده‌ای را برای برپایی اجتماعات و تأسیس محافل در اماکن مختلف، علی‌رغم ممنوعیت قانونی، همراه با ارتباط وسیع در داخل و خارج کشور، برنامه‌ریزی کرده‌اند. متناغل متهمان شامل معلمان، عکاسان، ساعت‌سازان، خیاطان، زنان خانه‌دار، دانشجویان دختر و پسر بوده که افراد را به کنار گذاشتن اسلام دعوت کرده و جزوات تنظیمی بسیار و کتاب‌های تبلیغی در این مضامین نزد آن‌ها بوده و همگی اقرار به بهائیت نموده و اظهار کرده‌اند که دین اسلام با این زمان نمی‌سازد و این که حق تزویج طبق نظام بهائی را دارند و تحریم و ممنوعیت قانونی خطا بوده و می‌خواهند طبق شریعت خود عمل کنند. بحث در این است که این جماعت چگونه در مصر پا گرفته و نفوذ کرده‌اند و ابزارهای ارتباطی‌شان با مرکزیت بهائی در فلسطین اشغالی چیست و به حساب چه کسی عمل می‌کنند؟ (روزنامه جمهوریة ۱۹۷۲/۳/۲۶).

این‌ها مطالبی است که روزنامه‌ها و علمای ما در این قضیه منتشر کرده‌اند. من به مردم کشور خود یادآوری می‌کنم که باید درک کنیم چرا آفت فراموشی بر ما غلبه کرده و قضیه قاهره به وجود آمده است که همچون يك آتش سوزی موجب فتاوا و آراء مختلف گشته و منجر به سوختن همه چیز شده است؟

من ابتدا از نوشتن دربارهٔ بهائیت خودداری کردم زیرا بیم آن داشتم که موضوع دست روزنامه‌نگاران افتد و محلی و حادثه‌ای شمرده شود. صبر کردم تا در ماه رمضان به عنوان يك آفت اندیشه‌ای و بحران فکری به آن پردازم که رمضان ماه فکر و ذکر و صبر و مجاهدت است و ماهی همچون آن نیست که در طول شب‌ها و روزهایش نفس لوامه را اطاعت می‌کنیم و در برابر وسوسه‌های شیطان مقاومت می‌کنیم.

بهائیت از این نظر که يك گروه و سازمان گمراه‌کننده است، مرا به خود مشغول نکرد؛ بلکه از این جهت که صهیونیسم جهانی به منظور فریب و مکر در اسلام و امت اسلامی آن را تأسیس نمود، برای من اهمیت پیدا کرد، خطرناک‌تر از نقش صهیونیست‌ها در ترویج بهائیت این‌که بهائیت آشکارا حمله نمی‌کند بلکه با پوشش و پنهانی نقشه می‌کشد تا فکر اسلامی معاصر را به رنگ بهائی - یهودی در آورد که تاریخ مانند آن را در حيله‌گری و سوءنیت سراغ ندارد و می‌رود تا فوران کند و تبدیل به سیل وحشتناکی از سکولاریسم شود که خاص و عام را دربر بگیرد؛ چیزی شبیه شروع اعتیاد یا برنامه‌های مشابه آن مانند این زمان که هزینه‌های سنگینی را بر مردم ما تحمیل نموده است؛ این‌هاست چالش‌های بزرگی که امت ما باید به آن پردازد و برای بقا باید با آن‌ها مبارزه کند. خدای تعالی فرمود: «ربنا لاترغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب» (ال عمران: ۸) (مصر جدیدة، شوال ۱۴۰۵/۱۹۸۵).

بنت‌الشاطی با این مقدمه وارد موضوع کتاب می‌شود و مطالب خود را در این فصول در ۳۵۰ صفحه ارائه می‌نماید؛ بحران‌های فکر دینی و بهائیت، سازمان‌های واگرا و آفت فراموشی، مستندات پنهان و پنهانی بزرگ‌تر. فصل اول به بابیه، شیخیه، حروف حی و قره‌العین می‌پردازد و به دور اول بهائیت از حرکت بایبان تا ادعای شیطنانی دین جدید توسط بهاء‌الله اشاره کرده، سپس تحركات عباس افندی و بعد شوقی افندی را دنبال می‌کند.

در فصل دوم بحث با تهاجم فکری بهائیت آغاز می‌شود که چون سرطان به جان افکار عمومی وارد شده و طوفان بحران را ایجاد می‌نماید و به بهائیت جدید می‌رسد که با نماد ۱۹، خانه‌ای عنکبوتی را بنا می‌کند. در بحث بعدی به توسل آن‌ها به حروف ابجد، تغییر تاریخ، توجیه خاتم‌النبین و موعود و قیامت و توسل به داده‌های کامپیوتری می‌پردازد.

در فصل سوم دیدگاه بهائیت درباره قرآن و حدیث مطرح شده و نقش آن‌ها در سکولاریسم فراگیر و نقش مخربشان در این موضوع بحث شده است. در پایان کتاب با عنوان "وصیتی الی امتی" (وصیت من برای امتم) متنی عاطفی و درعین حال عالمانه را با امت اسلامی در میان می‌گذارد و از بهائیت با عنوان فتنه‌ای بهائی - اسرائیلی یاد می‌کند که همه اقشار امت باید به دقت مراقب آن باشند و نقشه‌های آنان را رصد کنند که بزرگ‌ترین دشمن دین ختم‌المرسلین‌اند، اما با نقابی زیبا جلو می‌آیند تا کسی به اهداف و نقشه‌های آنان مظنون نشود. کتاب سرکار خانم دکتر بنت‌الشاطی دارای مطالب بسیار مفیدی است که می‌توان تمام یا بخش‌هایی از آن را در اختیار فارسی‌زبانان قرار داد. خدایش رحمت کناد و اجر دهد. از آنجاکه مطالب کتاب دارای تفصیل است، به نظر رسید در بخش اول چکیده‌ای از مطالب مقدمه و سه فصل کتاب آورده شود تا کسانی که به تمام کتاب مراجعه نمی‌کنند با این چکیده از محتوای کتاب برخوردار شوند.